

حکایت آب و افلاطون



امیر مهدی نژاد شاعر و نویسنده

روزی افلاطون حکیم - از شاگردان سقراط حکیم و از حکمای میرز یونان باستان - که به پیاده روی علاقه‌ای وافر داشت و همواره به جای استفاده از وسایل نقلیه، به‌طور پیاده از خیابان‌های آتن عبور می‌کرد، در حال عبور از خیابان‌های آتن بود. وی پس از آنکه مدتی از خیابان‌های آتن عبور کرد، احساس تشنگی کرد و در کنار منبع آبی که سر کوچه‌ای بود ایستاد تا آب بخورد. وقتی لیوان را پر از آب کرد و نزدیک دهانش برد تا بخورد، شخصی به وی نزدیک شد و گفت: سلام ای حکیم بزرگ. افلاطون گفت: سلام و درود. شخص گفت: کار واجبی دارم. اشکالی ندارد دقایقی از وقت ارزشمند شما را بگیرم؟ افلاطون گفت: نه، چه اشکالی دارد؟ ما فیلسوفان در خیابان‌ها راه می‌رویم که با مردم گفت‌وگو کنیم.

درواقع وقت ما در گفت‌وگو با مردم است که ارزشمند می‌شود. پس وقتم را بگیر. شخص گفت: سخنم در مورد یکی از شاگردان شماس‌ت. باید بگویم... در این لحظه افلاطون سخن شخص را قطع کرد و گفت: لحظه‌ای صبر کن. سپس نخست سر صبر آیش را خورد و دور دهانش را خشک کرد و پس از آن از شخص پرسید: آیا این چیزی که می‌خواهی درباره یکی از شاگردان من بگویی چیز خوبی است یا چیز بدی است؟ شخص گفت: چیز بدی است. افلاطون گفت: آیا دانستن این چیز بدی که می‌خواهی درباره شاگرد من به من بگویی برای من سودمند است یا خیر؟ شخص گفت: برای شما و سودمند و این چیزها را نمی‌دانم، اما باید بگویم... افلاطون بار دیگر سخن شخص را قطع کرد و

مسافر نوشت



چاپلوس ۷ صبح



عکاس و نویسنده عیسی نوری

ساعت هفت صبح معمولاً مسافران مترو دانشجویان یا دانش آموزان دبیرستانی هستند که به دانشگاه و مدرسه می‌روند یا کارمندان شرکت‌ها و ادارات هستند که به قصد رفتن به محل کار سوار شده‌اند. اغلب هم چون هنوز یخشان باز نشده سعی می‌کنند بخشی از باقی‌مانده خواب دیشب را در قالب چرتی در مسیر جبران کنند. توی یکی از ایستگاه‌ها اما دو مرد جوان خوش پوش با کت و شلوار آراسته به زحمت گلدانی بزرگ که درختچه‌ای زیبا در خود جای داده بود را از بین جمعیت وارد واگن می‌کنند. با عذرخواهی و خواهش سعی می‌کنند برای درختچه جایی در وسط واگن باز کنند. مرد مسن‌تر بعد از نفس گرفتن رو به مرد جوان‌تر گفت: برگ‌اش کشیفه اون آب‌پاش رو بده. مرد جوان از کیف رودوشی‌اش یک افشانه آب‌پاش کوچک درآورد و بعد شروع کرد به پاشیدن آب روی برگ‌های درختچه! بخشی از آب‌ها پاشید روی لباس یکی از مسافران و همین باعث شد که مرد معترض شود و بگوید: «آقا!!!!!! داری چیکار می‌کنی مگه مترو جای گلدون و درخت و این کاراست؟» مرد مسن‌تر دستش را گذاشت روی سینه و گفت: «آقا من معذرت می‌خوام، می‌بخشید واقعا.» مرد جوان‌تر در حالی‌که داشت با یک دستمال کاغذی آرام برگ‌های درختچه را تمیز می‌کرد گفت: «آقا شرمندۀ ما! ما شین بودیم. ما شینمون خراب شد وقت نبود گفتیم سریع‌تر برسیم. مجبور شدیم با مترو ببریمش.»

رطوبت هوا	۸۰٪	↓ ۲۰	↑ ۹۰	
صبح	۵			ظهر ۸
عصر	۶			شب ۴

اذان ظهر ۱۱:۴۵:۴۲	نیمه شب شرعی ۲۳:۰۳:۱۱
غروب آفتاب ۱۷:۱۰:۵۶	اذان صبح فردا ۰۴:۵۴:۲۷
اذان مغرب ۱۷:۲۹:۴۲	طلوع آفتاب فردا ۰۶:۱۹:۲۲

بگویم... افلاطون بار دیگر سخن شخص را قطع کرد و گفت: پس چیزی شنیده‌ای که بد است و نمی‌دانی سودمند است یا نه و حتی نمی‌دانی اساسا حقیقت دارد یا نه، پس چرا می‌خواهی همچنین چیزی را به من بگویی؟

آیا نمی‌دانی... در این لحظه شخص سخن افلاطون را قطع کرد و گفت: ای بابا، این سقراط‌بازی‌ها چیست درمی‌آوری؟ افلاطون گفت: سقراط‌بازی؟ این شیوه دیالکتیک است که استاد ما سقراط... شخص گفت: ای افلاطون بزرگ، من خودم چندسال شاگرد سقراط بوده‌ام و بلدم.

ایشان این شیوه را برای گفت‌وگوهای علمی و فلسفی وفلان و بیسار ابداع کرد، نه برای وقتی که شاگردش تصادف کرده و در بیمارستان است و کسی را فرستاده است که استادش را پیدا کند و به او بگوید آب دست است بگذار زمین و به بالین من بیا. در این هنگام افلاطون که تازه متوجه علت عجله شخص شده بود، پرسید: کدام شاگردم؟ شخص گفت: ایسکانیوس. افلاطون گفت: ای وای، واز آنجا که آب لیوان را خورده بود، یک لیوان دیگر پر آب کرد و لیوان را دست گرفت و سپس آن را زمین گذاشت و با عجله به همراه شخص به بیمارستان رفت.

از آن پس ضرب‌المثل «آب دستته بگذار زمین» به‌گنجینه امثال یونانی اضافه شد.

فراگیر شد. امام خمینی^(ره) که قاطعانه رشدی

را مرتد اعلام کرده بود، اعدام او را نه فقط حکم شرعی که تبر زدن بر یک اندیشه ضد انسانی می‌دانست ز یرا مقابله با اندیشه های پیامبر^(ص)، ضدیت با حقوق بشر و تفکرات بشردوستانه بود و آفت دامن گیر برای تمام دنیا قلمداد می‌شدد. سلمان رشدی یک نویسنده نبود. یک تفکر بود که مقابل میلیون ها مسلمان و غیرمسلمان

شنبه

۲۵ بهمن ۱۴۰۱
۲۳ رجب ۱۴۴۴
شماره ۳۸۸۲

Mashhadchehreh.ir

Photoshahr.ir



میثاق‌نامه اخلاق حرفه‌ای

اول شخص

مزدور شیطان یک مُرده است

درباره نویسنده کتاب موهن آیات شیطانی هم‌زمان با سالروز صدور حکم اعدام سلمان رشدی از سوی امام خمینی (ره)



نویسنده آزاده چشمه‌سنگی

سلمان رشدی با کتاب «بچه‌های نیمه‌شب، اش مشهور شد. بابت همین اثر جایزه‌بوکر را دریافت کرد. دو سه اثر دیگر بعد از این کار نوشت و رفته رفته به‌عنوان یک رنالیسم‌نویس جادویی در میان نویسندگان غربی جا باز کرد. هرچند اصالتا هل هند بود و بعد از مهاجرت به انگلیس برای ادامه تحصیل در رشته تاریخ دانشگاه کمبریج، دیگر به آسیا برگشت اما نام و نام خانوادگی‌اش به‌ظاهر او را از تبار مسلمانان معرفی می‌کرد. خانواده‌اش هم در هند مسلمان بودند اما به گفته خودش، به اصول مسلمانی پایبند نبودند. سالی یک بار در مراسمی تشریفاتی به مسجد می‌رفتند و ممنوعیت‌های اسلامی از قبیل مصرف مشروبات الکلی در خانواده آن‌ها معنایی نداشت. سلمان رشدی با نوشتن کتاب پنجمش با عنوان «آیات شیطانی، بر سر زبان‌ها افتاد. کتابی در قالب یک داستان بلند ۹ فصلی که به سفارش انتشارات مهبونیستی و «ایکینگ پنگتون» در ازای ۵۸۰هزار پوند در مهر سال ۱۳۶۷ تألیف و منتشر شد و در آن با دستمایه افسانه غریب به اهات مقدسات اسلامی، پیامبر اسلام^(ص) و صحابه ایشان پرداخته بود. چندماه پس از انتشار کتاب، در حالی‌که مسلمانان کمابیش در برخی کشورهای اسلامی دست به اعتراض زده بودند و از بازنشر این کتاب جلوگیری می‌کردند، به یک‌باره با صدور حکم امام خمینی^(ره) مبنی بر اعدام سلمان رشدی، روشنگری تازه‌ای در باب تفکرات ضداسلامی فراگیر شد. امام خمینی^(ره) که قاطعانه رشدی را مرتد اعلام کرده بود، اعدام او را نه فقط حکم شرعی که تبر زدن بر یک اندیشه ضد انسانی می‌دانست ز یرا مقابله با اندیشه های پیامبر^(ص)، ضدیت با حقوق بشر و تفکرات بشردوستانه بود و آفت دامن گیر برای تمام دنیا قلمداد می‌شدد. سلمان رشدی یک نویسنده نبود. یک تفکر بود که مقابل میلیون ها مسلمان و غیرمسلمان

روایت روز

فاصله هایی که باید یاد بگیریم

نفریشت سر آن قدر نزدیک ایستاده که چندباری باید به‌نشانه تذکر برگردی و نگاهش کنی تا فاصله‌اش را حفظ کنند. جدا از اینکه باید امنیت کارت بانکی‌ات را در همین چند دقیقه‌ای که ایستاده‌ای تاپول از خودپر داز بگیري باید حفظ کنی، این میزان رعایت نکردن فاصله فیزیکی هم آزاردهنده است. وارد بانک می‌شوی و نوبت می‌گیری. شماره‌ات که خوانده می‌شود هم‌زمان بانو چند نفر دیگر کنار ت ایستاده‌اند که یکی مقداری از کار قبلی‌اش تمام نشده و یکی هنوز نوبتش را اعلام نکرده‌اند و به‌جای صبر کردن و نشستن روی صندلی‌های بانک ترجیح می‌دهد مقابل کارمند بانک بایستد! تو صی صف نان از دماز زیادی است و هر چه شلوغ‌تر می‌شود آدم‌ها فاصله فیزیکی‌شان کمتر می‌شود. برای دقایقی که می‌خواهی نان بخری معذب می‌شوی و گاهی باید به نفر پشت سری یا کناری یا... تذکر بدهی که طبق نوبت پیش می‌رود و هر چه نزدیک‌تر بایستی زودتر نوبت نمی‌شود.



نویسنده آزاده چشمه‌سنگی

این اتفاق را بارها و بارها در صف‌های دیگر تجربه می‌کنی و می‌بینی. این اتفاق نشان از فقدان است که باید برای آن فکری شود. یک فرهنگ‌سازی که شاید نیازمند آموزش‌هایی در تولیدات رسانه‌ای یا هنرهای شهری و... باشد. این فاصله‌ها نه‌تنها محدود به رعایت حریم شخصی دیگری است بلکه در ارتباطات اجتماعی نیز فهم تنظیم فاصله با دیگری نیازمند آموزش و یادگیری است. مهارتی که می‌آموزد چگونه با دیگران فاصله اجتماعی خود را حفظ کنیم. حریم شخصی‌مان را بسازیم و در محدوده‌ای شفاف و روشن، چارچوب زندگی اجتماعی‌مان را تعریف کنیم. همه آنچه که در محیط اطراف می‌بینیم و گاهی رنجمان می‌دهد همیشه مستلزم تعریف قوانین سختگیرانه نیست بلکه نیازمند تربیتی است که در فضای کوچک خانواده تعریف می‌شود و به فضای جامعه تعمیم می‌یابد. برای همین است که می‌گویند برای تغییر آنچه دوست‌نداریم از خودمان شروع کنیم.



ابن سینا در لفاف برف

بارش برف در بسیاری از مناطق کشور مان، زیبایی زمستان را در شهرها به رخ کشیده است. بارش ۳۰ سانتی متر برف در همدان هم چهره متفاوتی از این شهر و البته تندیس ابوعلی سینا فیلسوف، دانشمند و حکیم فرزانه و فقید ایرانی ساخته است.

عکس: مهدی کالوندی/ فارس



- روزنامه فرهنگی- اجتماعی- اطلاع رسانی
- صاحب امتیاز:
- شهرداری مشهد
- مدیر مسئول:
- سید میثم موسوی مهر
- سردبیر:
- سید سجاد طلوع هاشمی
- نشانی: مه‌لن شه‌د، نبش دانشگاه ۱
- دفتر مرکزی:
- ۵ - ۳۷۲۸۸۸۱۱
- نمایی: ۳۷۲۳۸۳۱۰
- رواب‌ عمومی: ۳۷۲۴۳۱۱۰
- شماره پیامک: ۳۰۰۰۷۲۸۹

کارتون شهر



بیش از ۱۰۶ هزار موارد محترقه غیر مجاز در مشهد کشف شد.

رضا جنگی

شاخ دار

چرخ خیاطی الماس نمی‌زاید!



نویسنده آزاده چشمه‌سنگی

از جست‌وجوهای خاص این موضوع به «ولنتاین چه تاریخی است؟»، «دیت چیست؟»، «کادوولنتاین چی بخرم؟» و «متن تبریک برای ولنتاین» می‌توان اشاره کرد.

یک جست‌وجوی خاص هم این وسط دیده می‌شد که هنوز نمی‌دانیم به ولنتاین ربطی دارد یا نه، «دعای خوراکی زبان‌بند شوهر»

- موتورسیکلت طلا برای رونالدو!

نام کریستین رونالدو بار دیگر در جست‌وجوهای گوگلی کاربران فضای مجازی دیده می‌شود البته این بار با جست‌وجوی «هدیه حاکم عربستان به رونالدو». این هدیه که بار دیگر رونالدو را به صدر اخبار زرد آورده است چیزی نیست جز یک دستگاه موتورسیکلت طلا! زلزله وحشتناک و تأسف بار هفته‌گذشته در ترکیه و سوریه هم جست‌وجوهای زیادی در پی داشت اما در این میان عده‌ای به دنبال علت‌های عجیب برای این زلزله می‌گشتند. «علت زلزله ترکیه»، «چرا زلزله در زمستان رخ می‌دهد، و «ارتباط پروژه مرمروز هارپ با زلزله ترکیه»، از جمله جست‌وجوهای کاربران بود.

- تن گالیله در گور لرزد
- هفته‌گذشته شاهد بارش برف در کشور بودیم و برخی هم با جست‌وجوی «دانلود آهنگ برای برف»، به استقبال هوای زمستانی رفتند.

در آخر هم برخی کاربران «آیا زمین تخت است؟»، را جست‌وجو کردند که باعث شد تن و بدن گالیله در قبر بلرزد.

مناجات و حکایات

خدا یا! پر محمد و آتش درود فرست و ایمانم را به کامل‌ترین ایمان رسان و یقینم را برترین یقین قرار ده و نیتم را به بهترین نیت‌ها و عملم را به بهترین اعمال پایان بخش. خدا یا! نیتم را به لطف کامل گردان و یقینم را به رحمت در گردونه صحت و سلامت قرار ده و فسادم را به قدرت اصلاح کن. خدا یا! خصلت قابل سرزنی‌ش را در وجود من و ماگذار، جز اینکه اصلاحش کنی و عیب قابل سرزنی‌ش را در عرصه‌گاه حیاتم رها مکن. جز اینکه نیکویش گردانی و کرامتی را در من ناقص مگذار، جز اینکه کاملش فرمایی...